



نگاهی به مفهوم قلندریه

دکتر یدالله شکری^۱، فاطمه حاجی پروانه^۲

۱-استاد

۲-نویسنده

چکیده

گاهی در متن‌های عرفانی پارادوکس‌هایی مشاهده می‌شود که این معنا که این متون از سویی تجربه‌ها و پیام‌های اخلاقی دارند و از سوی دیگر ظاهراً به آن‌ها طعنه می‌زنند و با آن‌ها مخالفند. منشا این پارادوکس و تناقض را باید در کاربرد مضامین قلندرانه جستجو کرد. قلندریه شاخه‌ای از ملامتیه است که برخی از امور منافی شرع را برای قهر نفس روا داشته و تأثیر زیادی در ادبیات فارسی برجا گذاشته‌اند. بخشی از ادبیات مکتوب ما را متون قلندریه و فتوت‌نامه‌ها تشکیل می‌دهند. پراکندگی این متون از قرن سوم تا امروز را در بر می‌گیرد. مولفه‌های مختلفی در سطح فکری نویسندگان این کتاب‌ها دخیلند که از جمله آن‌ها استفاده از شخصیت‌های دینی و ملی و تاریخی بوده است. بدیهی است این استفاده‌ها در زمینه‌های مختلف و به نیت‌های متفاوت صورت گرفته است. عرفان ایرانی و اسلامی با زهد آغاز شده و در نقطه‌ای با تصوف درمی‌آمیزد؛ آنگاه وارد مرحله‌ای می‌شود که نوعی از ادبیاتش را ادبیات قلندری می‌نامند. تأثیر افکار قلندری در شعر عرفانی فارسی از سنایی شروع شده و در حافظ به نهایت تکامل می‌رسد. افکار طریقه قلندریه در توجه بیشتر شاعرانی چون سنایی، عطار، مولوی، عراقی و حافظ به قلندیات برای ارائه مفاهیم عرفانی و مضامین شاعرانه، مؤثر بوده است؛ زیرا در عصر این شاعران بود که این طریقه به تدریج شکل گرفت. سرایندگان قلندیات از علاقه‌اشان به قلندری، مستی و شور و هیجان و عشق سخن می‌گویند و بر عالمان و اهل زهد خرده می‌گیرند. در قلندیات، واژگانی چون: زهد، تسبیح، خرقة، سجاده، مسجد، خانقاه، مدرسه، صوفی، فقیه و ... به مسخره گرفته می‌شوند و در مقابل، واژه‌هایی چون: می، می‌کده، دیر مغان، مغ، بچه و ... کاربرد زیادی دارند. در نگارش این مقاله، قلندر و قلندریه در شعر فارسی را بر تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و با دیدی تحلیلی و از دیدگاه‌های اجتماعی در زمینه ادبیات بررسی کردیم و بازتاب تجربه‌ی شخصی عرفانی و سیمای اجتماعی عصر شاعران ایرانی را، در قالب نوعی از غزل عرفانی (قلندیات) ارائه دادیم و همچنین قلندر و قلندیات را در تاریخ اجتماعی ایران بررسی کردیم و چهره‌ی قلندر در شعر فارسی عصر آغازی را بیان کردیم.

واژه‌های کلیدی: قلندریه، قلندر، شعر قلندری، شعر فارسی